

پشت میز کارم نشسته بودم که تلفن زنگ زد .

– الو بفرمایید .

– الو آقای چواری ؟

– بله خوردم هستم بفرمایید

– سلام آقای چواری

– سلام ، شما ؟

– آقا من از بانگ زنگ می زنم ، یک شما برگشت خورده.

– یک من ؟

– مگر شما آقای چواری نیستین ؟ مگر شماره

نفسم به شماره افتاده بود . با اینکه من اصلاً دسـته چک

نـرا شـدم ، نمی دونم چرا اونقدر ترسیده بودم . آقا این لـهـقه اشتباه بود ؟

– لـهـقـهـنـه لـهـقه یاباید بانگ .

نیمه دوام اسفند ماه بود حقوق بازنشسته ها و

مستمری بگیران را به حساب ریفته بودند . بانگ شلوغ

بود . یک راست رفتم سراغ آقای نوید .

– آقا این چک مگر مال شما نیست ؟

–نه خیر

– مگر شماره حساب شما؟

– آقا اصلاً من حساب جاری ندارم .

–چـنـر لـهـقه اجازـه بفرمایید .

خیلی عجیب بود . بیست و هشت میلیون ریال یک ام برگشت خورده بود .

یک لهقه شک درم داشت ، نکته دسـته چکم را رزـزیده باشنـد ؟ آخـه اصـلاً من دسـته چک نـرا شـدم . آقای مسـنی کـنار باجه ایستاده بود و داشت یک بسته دوست تومانی را با طمانینه می شمرد .

با هر بار شمارش شست اش را بر روی زبان خیس می کشید . اسکناس بـعـری را ورق می زد . من به او مصوریم می شد چون حالا دهانم کاملاً خشک شده بود ، حتی یک قطره آب هم در دهانم نبود که آن را فوراً برهم . اسکناسها حسابی خیس شده بود .



تصور مـر و ر با خودرو

چگونه پـنـژین پـژنـیم ؟

همیشه سعی کنید موقعی که آمپر پـنـژین در محدوده اتمام پـنـژین باشد . ارجح آن است که چراغ هشدار دهنده کاهش پـنـژین روشن باشد . این کار موجب می شود تا آنکـهـر شما برای سوختگیری از اولین پمپ پـنـژین اقرارایش پیدا کـنـد چـرا که شما به جایگاه بعدی نـعـواهیـد رسیـد . دوپست متر مانده به پمپ پـنـژین از سرعت خود یکـهـیـد و با دقت به جایگاه و اطراف آن نگاه کنید . وضعیت شلوغی و خلوتی جایگاه و راه ورود و خروج آنرا به دقت تحت نظر بگیرد در اینجا پا سه حالت ممکن ، مواجه خواهید شد :

الف – جایگاه خلوت است ؛ کنار هر پمپی که دوست دارید پامپستید و پـنـژین پـژنـید .

پ – در هر ردیف جایگاه دو به خود رو وجود دارد؛ در این حالت به آهستگی و با دقت به مسیر ورودی

ردان مصنوعی کـک پائین پیر مرد کمی بیرون زده بود . در حالی که کمی قوز کرده بود و چشـمـهای ریز و گور رفته اش با مهربانی اسکناسها را نگاه می کرد لب هایش طوری جمع شده و جلو آمده بود که انگار داشت به پول ها می گفت : چـون ، و لبـهـایـش همانطوری مانده بود .

آقای چواری

– آقای چواری ، بفرمایید صداتون می کنـدـر .

نگاهم را از پیر مرد گرفتم و از میان لشکر مستمری بگیران راهی باز شد و من خوردم را به آقای نوید رساندم .

– آقای چواری خیلی بیخـشـید من واقعا عـزـز می خواهم . کامپیوتر اشتباه کرده بود .

خراهاقتی کردم دو سه قدم مانده بود به در خروجی برسم که خانمی مرا صدا کرد .

بیابورید .

– خانم چراغی بود ، مسئول اعتبارات و تسهیلات . (نمی دانم چرا هر وقت خانم چراغی را می دیدم با خوردم رزمزمه می کردم؛ « اینجا خانه ات باد است چراغ روشن نمی شود » .

– سلام خانم .

– سلام ، شما حاضر است .

یک مرتبه احساس کردم من کیچ شدم . درست مثل موقعی که رفتم خواسـگـاری . دن که خیلی معاشرتی هستم و با هر تبیی خوب حرف می زنم و به قول تیق نمی زنم ، نمی دانم چرا اسم وام که می آید دسـت و پایـم را اگـم می کنم .

رنگم می پرد و لرزش دستایم را نمی توانم پنهان کنم . از همه بدتر سمت چپ لب بالاایـم به سمت بالاکش می آید . حتی موقع امضا کردن و نوشتن خط ام تغییر می کنـر و خـورـکـر بیچاره در دسـتم به رـعـشه می افتـد .

– لـهـقـه هـبـر کـنـید تا صدایـتان کنم .

آموزش مقرماتی شهروندی

جایگاه وارد شوید و خودرو خود را طوری کـچ نگـه دارید که هیچ خودرویی نتواند بعد از شما وارد شود. اولین ردیفی که خلوت شد بلافاصله خودروتان را به آنجا هدایت کنید . در صورتیکه در ردیف اشتباه ایستاده اید یا متوجه شدید ردیف دیگر زودتر خالی شد دنده عقب بکـهـرید و به هر زوری که شده خودتان را به آن ردیف پـرسانـید . برای متوجه کردن رانندگانی دیگر از پوق زدن های مکرر استفاده کنید. پوق زدن خصوصا هنگامی که راننده جلویی شما پـنـژین زده است و موقع پرداخت پول یا سوار شدن به خودرواش است بسیار مفید و ضروری است . چ – جایگاه شلوغ است ؛ طبیعتاً احـمـقانه است که شما توی صف پامپستید . در این حالت به آهستگی از کنار صف به جلو پیمایند و طوری رفتار کنید که انکار دنیال آدرسی می گردید بعد در یک فرصت مناسب خود را وارد صف کنید . در صورتیکه این روش موفقیت آمیز نبود از جایگاه رد شوید و پا دنده عقب از مسیر خروجی جایگاه وارد شوید و پا

پس از اتمام سوختگیری شـمـن حـقـقـا خـونـسـردی به آهستگی و پا وقار تمام نژد مسئول پمپ پروید پس از کمی خوش وپش و کشتن در جیبهای مختلف شلوار و پیراهن ، پول پـنـژین را پرداخت نمایید . به سمت خودرو برگردید و بدون توجه به صف و کسانی که منتظر خروج شما هستند کمی به دور و پا ماشینتان نگاه کنید. درپ پاک را دوباره کنترل کنید که محکم پسته شده باشد . سپس به کنار خودرو پیمایید ، درپ سمت راننده را پاژ کنید

لـوسـتـر رانـکـین کـمان

عرضه کننده

شیکترین مدلهای لوستر

و آئینه شمعدان

آدرس : بندرعباس /چهارراه سازمان / جنب بانک تجارت

تلفن : ۲۲۲۱۴۱۸ – ۰۹۱۷۳۶۱۱۲۳۵

خدمات شیشه ساختمانی مظاهری

نصب انواع شیشه های ساختمانی

«سکوریت- رفلکس- رنگی- آینه»

تلفن: ۳۳۳۹۵۶۵ – همراه ۰۹۱۷۷۶۱۸۷۴۸۶

بندرعباس : بلوار امام خمینی- رویه روی امامزاده سید مظفر

برادران ارجمند عبدالطیف آدیش

و عبدالخالق مسقطی

انتخاب شایسته مردمی شما را به عنوان شورای شهر بندر جاسک تبریک عرض نموده، توفیق خدمت به مردم را از خداوند منان برایتان آرزومندیم

حسن منصوری- بندر چارک

مصالح ساختمانی هدایتی

✓ **عامل توزیع سیمان هرمزگان**

✓ ارائه انواع مصالح ساختمانی به صورت مستقیم از تمامی کارخانه جات

✓ **تولید مصالح اعم از گچ ،پودر سنگ ، آجر و غیره**

✓آدرس : سرالایی کمربندی – روبه روی مسجد امام علی(ع)

تلفاکس : ۳۳۴۴۳۶۱

همراه : ۰۹۱۷۳۶۱۱۲۳۲ – ۰۹۱۷۳۶۱۱۳۹۸

چک



حسابی خاغلگیر شده بودم . از خوشحالی صورتم داغ شده بود فقط خدا خدا می کردم کسی تو نـفـع نـرـفته باشـد .

کسی که تا همین چند لهقه پیش چکش برگشت خورده بود آن هم شب عید حالا نه تنها چک اش پاس شده بود که وام هم بوش می دادند . خانم مسنی وارد شد . یکی یکی کارمندان به احترام خانم نیم فیز شدند و سلام کردند . جناب رئیس بانگ (که همیشه سعی می کنم نگاهم با نگاهش درگیر نشود چون احساس می کنم به چشم یک سارق به من نگاه می کنـد) با آن سیلهای پر پشت و آن دماغ درشت و با آن سر طاس و



و فراموش نکـنـید که قیل از سوار شدن با کمربند خود رو پروید و شلوارتان را کمی بالا بکشید . به داخل خودرو خم شوید ودر حالی که دست چپ را روی فرمان گذاشته اید پا دست راست کرد و غبار یا احتمالا پوست تخمه های روی صندوقتان را پاک کنید سپس در پشت فرمان قرار بکـهـرید . درپ را پینددید . اکنون تویـت کـشـتی به دنیال سونییج است . پا آرامش تمام جیبیـتان را ژیر و رو کنید (البته کشتن جیبهای شلوار در حالت نشسته کمی سخت است ولی چاره ای ندارید) پس از پیدا کردن سونییج ، خود رو را روشن کرده واژ پمپ پـنـژین خارج شوید .

لازم به یادآوری نیست که با سرعت تمام و بدون نگاه کردن به مسیر خیابان پامپستی از جایگاه وارد خیابان اصلی شوید وگرته بقیه خیال می کـنـد شما از آنهای هستید که تازه کواهبنامه گرفته اند.

حاجی محمدی

الان ایستاره ای اینجا برای صد هزار تومان وام ، تازه

برای خاطر همین چندرین دفعه تقاضای وام کرده ای و چندین بار از این رو به آن رو شده ای . بعد فکر کردم شاید اگر من بودم کمتر لبـفـنـر می زدـم و سعی می کردم آرام و بی اعتنا پولها را بردارم .

داشتم فکر می کردم با این صد هزار تومان (وام اعطایی) چـنـر هـفـت چـوراب می توانستم بفرم تا رنگر نوک انگشتم از توش سرگ نکـشـد . در همین عین خانم جوانی موزبانه گفت : آقا بیخـشـید اون «پاجیرو» مال شماست . من هنوز درست به خوردم نیامده بودم تا چواب مناسبی به او برهم یا لااقل یک کلام بگویم : خیر کفتم کردم پاجیرو ؟ گفت : همون پاجیرو که رویروی پارکینگ کنار بانک پارک شده ، لـهـقـا بـیـریش کنار تا من پیام بیرون . من که تازه متوجه سوال او شده بودم ، گفتم : ببخشید پاجرو مال من نیست . (و این جمله را طوری ادا کردم که یعنی من ماشینم را بالا تر پارک کرده ام)

همش فکر می کردم اگر خانم چراغی این گفت و گو را شنیده باشـد حتماً فکر می کنـد که من وام را برای خوردم نمی خواهم . داشتم فکر می کردم . آره من اگر هر صد هزار تومان را می دارم چوراب می خریدم رنگر هیچ وقت نگران مرگ نیوردم . نگران از اینکه یک وقت آپرویم پیش مرده شور بروم . اصلاً من نمی دانم چرا این قدر از مرده شور جماعت رو در ریاستی دارم . آخر آدم مرده که برایش فرقی ندارد . باز حساب کردم با این صد هزار تومان می توانستم یک کت شلوار و چنـر ...

– آقای چواری ، آقای چواری

– بله ، بله .

– لـهـقـا تشریف بیابورید این ورقه را پر کنید .

نمی دانم چرا دوباره دهانم چـوـب شد . نفسم به شماره

افتاد . سمت چپ لب بالاایـم کش آمد . حتماً رنگم هم

مثل میت شده بود .

احساس می کردم همه مستمری بگیران به من خیره شده اند . شاید هم چشـمـهایم قرمز شده بود . شاید همشون آرزو می کردند کاش جای من بودنـد فرم را نمی توانستم پر کنم درست مثل حالتی را داشتم که رفته بودم خواسـگـاری (هیچ وقت فراموش نمی کنم . آن قدر دسـتم لرزید و سمت چپ لب بالاایـم کش آمد که نتوانستم جای را تا آخر بفورم) بالاخره با هر چـون کـنـرنی بود فرم را پر کردم . رفتـر چه قسـط را گرفتم و رفتم که سه روز رنگر بایام و وامم را بگیرم .

پیرمردی که از شمردن دسـته اسکناس دوست تومانی فارغ شده بود ، در حالی که این طرف و آن طرف خود را می پایید از بانگ بیرون زد . در پوستم نمی گنجیدم ، دوست داشتم به او کمکـی بکنم پیر مرد را خوب بر انداز

کردم .

دیگر از آن نگله مهربان اثری نبود . «شک» جای «مهر» را گرفته بود . طوریـکه انگار همه می خواستند پولش را از چنگش در آورند . اما من که به پاس آماده شدن وام لایـز بریز از مهرورزی شده بودم به پیرمرد نزدیک شدم . اما احساس می کردم او حتی به اشیاء هم مشکوک شده است و انگار جهان بینی اش تغییر کرده بود .

– پدر جان می خواهید کمکتان کنم خیابان شلوغ است.

نگاه سنگینی به من انداخت و با لـعـنی توهین آمیز گفت:لازم نکرده ، بفرمایید . (لایـر تو دلش گفت : دزد عوضی برو وگرته بلیس را خـبـر می کنـم) حتماً چشمانم قرمز شده بود که یک همچنین فکری راجع به من کرده بود و گر نه من همونم که لهقه پیش آن خانم مقترم فکر کرده بود پاجرو مال من است .

برون آنگه چیزی بگویم یا از او ناراحت شده باشم راهم را گرفته و رفتم .

فرهاد رستنی

کاریکاتور روز

← کاظم گذری

اطلا عیه

WAVE NEUTRALIZATION

Safety card (کارت های خنثی کننده تشعشات تلفن همراه)

بدین وسیله به اطلاع کلیه هموطنان عزیز می رساند کارت های خنثی کننده امواج تلفن همراه (سیفیتی کارت) که جهت سلامتی و محافظت شما عزیزان از خطرات بالقوه امواج الکترو مغناطیس به ویژه تلفن های همراه وارد کشور گردیده که با توجه به استقبال شدید مردم فهمیم استان سیفیتی کارت در کلیه ادارات پست مرکزی و تمامی دفاتر خدمات پستی کل استان همزگان باقیمت ۱۴۰۰۰ تومان بصورت تحویل فوری در محل واگذار می گردد.بدین منظور هموطنان می توانند به نزدیک ترین دفتر خدمات پستی و ارتباطی مراجعه نمایند.

هم وطن عزیز:

امواج الکترو مغناطیس و امواج تلفن همراه برای سلامتی انسان مضر و عامل بسیاری از بیماریها چون میگرن - سردرد - عصبی شدن - پر خاشگری - بیخوابی و سایر بیماری ها می باشد. جهت حل این عضلات کارت ها خنثی کننده امواج الکترومغناطیس و تشعشات تلفن همراه (سیفیتی کارت)بابترین تکنولژی روز دنیا جدیدا وارد کشور گردیده تا در اختیار مردم عزیز ایران قرار می گیرد و بدین طریق بتوان مردم را در برابر این تشعشات محافظت نمود. لازم به توضیح است این کار تنها دارای وزن سبک و در اندازه کارت اعتباری بوده و دارای ۵سال عمر مفید می باشد و نیاز به شارژ ندارد و کافی است فقط همراه شخص باشد تا امواج را جذب و خنثی نموده و شما را از خطرات و بیماری های امواج الکترومغناطیس و تلفن همراه در امان نگه بدارد پس از هم اکنون جهت تهیه و خریدبه کلیه دفاتر پستی استان هرمزگان مراجعه نمایید.

برای اولین بار در جهان و اکنون در اختیار شما در ایران

فروش فوری در کلیه دفاتر پستی استان هرمزگان

روابط عمومی سیفیتی کارت در منطقه جنوب کشور / استان هرمزگان - تلفن ۲۲۲۲۹۷۷-۰۷۶۱۱ و ۰۹۱۷۳۶۱۱۵۱۴۸ - آدرس: بندعباس - چهارراه سازمان - طبقه فوقانی بانک صادرات - سیفیتی کارت نمایندگی ها:

قشم -شعبه یک:مسعود رییسی ۰۷۶۳۵۲۲۷۱۸۵

میناب - میدان شهدا: ذاکری- ۰۹۱۷۷۶۵۳۶۹۳

قشم - شعبه دو - بازار فرودس: مسعودرییسی ۰۹۱۷۳۶۱۱۶۱۳

مـوـطـن کـرـمـی :

شما که از سلامتی بر خوردارید، بهترین فرد برای اهدای خون مطمئن هستید

روابط عمومی سازمان انتقال خون استان هرمزگان